

سرمقاله (سخن سردبیر) – آیا کارآفرینی دواى دردهای ماست؟

ابراهیم سوزنچی کاشانی^۱

چکیده

انتشارات وزین دنیای اقتصاد کتاب درباره شومپیتر را با نام "آموزگار نوآوری: شومپیتر و تخریب خلاقانه" را اخیراً منتشر نمود. متخصصان حوزه نوآوری شومپیتر را به اهمیت نوآوری در اقتصاد می‌شناسند و دانشجویان حوزه کسب و کار شومپیتر را با نام کارآفرینی می‌شناسند و دانشجویان اقتصاد شاید به رشد بلند مدت اقتصادی از وی یاد کنند. آیا شومپیتر نیاز امروزه جامعه ماست؟ برای پاسخ به این سوال اجازه دهید کلیات شومپیتر را به صورت خلاصه مرور کنیم.

کلیدواژه‌ها

آموزگار نوآوری- شومپیتر

اصل مقاله

انتشارات وزین دنیای اقتصاد کتاب درباره شومپیتر را با نام "آموزگار نوآوری: شومپیتر و تخریب خلاقانه" را اخیراً منتشر نمود. متخصصان حوزه نوآوری شومپیتر را به اهمیت نوآوری در اقتصاد می‌شناسند و دانشجویان حوزه کسب و کار شومپیتر را با نام کارآفرینی می‌شناسند و دانشجویان اقتصاد شاید به رشد بلند مدت اقتصادی از وی یاد کنند.

آیا شومپیتر نیاز امروزه جامعه ماست؟ برای پاسخ به این سوال اجازه دهید کلیات شومپیتر را به صورت خلاصه مرور کنیم:

^۱ هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف

- کارآفرین و سرمایه دار دو موجود متفاوت هستند. نقش کارآفرین تغییر و نقش سرمایه دار تامین مالی ریسکهای کارآفرین است.

- کارآفرین با یک مدیر، یک سرمایه دار و یک کارگر متفاوت است هرچند ممکن است نقش هر کدام از آنها را در مقاطعی ایفا کند.

- کارآفرین به تخریب خلاقانه دست می زند و این تنها راه توسعه است. در تخریب خلاقانه، اتومبیل ایجاد می شود که ادامه مسیر درشکتهای قدیمی نیست و ژنراتور برق تولید می شود که ادامه مسیر ماشینهای بخار نیست. - انگیزه کارآفرین صرفاً مالی نیست، یا شاید در ابتدا مالی باشد، اما بعد وی با انگیزه های روانشناختی و اجتماعی کار خود را ادامه می دهد و از خلق جدید خسته نمی شود.

- کارآفرین ناگزیر است با تمام نیروهای خلاف جهت مقابله کند. چه صاحبان کسب و کارهای قدیمی، چه مجاب کردن همکاران جدید، و چه در تغییر ذائقه بازار.

- مثال بارز کارآفرینی آرکرایت است. کسی که کارخانه جدید نساجی را بنا کرد اگرچه بهبودهای فراوانی در جزئیات فنی ماشین آلات نیز انجام داده بود. ولی وی در سازمان، در سیستم تامین، و در بازار نوآوری های گسترده تری کرده بود.

- به غیر از تعداد معدودی در اوایل انقلاب صنعتی، نظیر متیو بولتون که از جیمز وات حمایت کرد، سایر کارآفرینان منابع مالی خود را از نظامهای بانکی و مالی تامین کردند.

- نظامهایی که بتوانند دست کارآفرینان و سیستم تامین مالی آنها را باز بگذارند، بهتر می توانند قدرتهای مخرب نهفته در نظام اقتصادی را آزاد کنند.

- بانکهای مبادله نیستند، بلکه نهادهای خلق ثروت از هیچ هستند. آنها از طریق خلق پول بر روی آینده ای که کارآفرین ترسیم کرده است قمار می کنند.

- نقش دولت در تنظیم سیستمهای مالی بسیار حیاتی است. دولت باید اجازه ورشکستگی به نظام مالی را بدهد چون این تنها چیزی است که آنها از آن واهمه دارند.

- هر گاه نیروهای کارآفرینی از حرکت بایستند، کشورها عقب می مانند. انگلستان در ابتدا مسیر کارآفرینی را برای صنعت نساجی باز گذاشت، اما نسلهای بعدی در نساجی خود دیگر کارآفرینی نکردند. اینجا بود که بقیه از انگلستان پیشی گرفتند.

اینها باعث شکل گیری چرخه های بزرگ کسب و کار می شود که اولین آنها نساجی بود و سپس ماشین بخار و راه آهن، الکتریسیته و فولاد، و خودرو چهارمین آنها بود که مسیرهای توسعه و عوض شدن قدرتهای اقتصاد جهانی را به همراه داشت. و انقلاب پنجم که شومپیتر آن را ندید همانا انقلاب ICT بود.

اکنون همه منتظر انقلاب بعدی هستند. این انقلاب می تواند حمل و نقل هوایی باشد یا انقلابی در حوزه شناختی. این انقلابها خاصیت دگرگون کنندگی وحشتناکی در کل ساختارهای اقتصاد خواهند داشت. کشوری برنده است که دوباره به شومپیتر اعتماد کند و این کاری است که چه غرب (نظیر آمریکا و انگلستان و آلمان و فرانسه)، و چه شرق (نظیر ژاپن و کره و چین)، به شدت دنبال آن هستند.

آیا ما به کارآفرینی به صورت شومپیتری می نگریم؟ اجازه دهید تصویر یک کارآفرین متداول در ایران را ترسیم کنیم: ایده‌ای عمدتاً از خارج پیدا می‌کند. خود وی حتی در آن حوزه استخوانی خرد نکرده است.

-از طریق پولهای سرگردان که عمدتاً نمایش کارآفرینی می دهند (و نه اعتبارات و قمار بر روی آینده) که بیشتر از طریق ارتباطات پیدا می شوند، منابع مالی تزریق می‌شود

-عمدتاً خدماتی است

-کلی ابزارهای مختلف دیجیتال و تبلیغات و غیره را به خدمت می گیرد و پولها را هزینه می کند

-در نهایت اتفاق خاصی نمی افتد و سپس به کل سیستم و زمین و زمان بیراهه می گوید

نه مرد جدیدی، نه انگیزه بی انتهایی، نه سیستم مالی درستی، نه ایده متحول کننده ای. شکلی از همه این عناصر کنار هم قرار گرفته اند و پول نفت تزریق شده و اسم خود را اکوسیستم کارآفرینی نامیده‌اند. نه هنری فوردی در آن در می آید و نه استیو جابز. کارآفرینی بیشتر تبدیل شده به یک مد جدید

در زمانی که همه در حال شومپیتری فکر کردن هستند تا قدرت بعدی جهان باشند. ما کجای معرکه ایم؟!!